

تأثیر محمد ﷺ در تمدن انسانی

رسول خدا ﷺ در همه شکل‌های تمدن انسانی اعم از اخلاقی و علمی و معرفتی و عملی، تأثیری مثبت و عمیق برجای گذاشت؛ فرستاده خدا محمد ﷺ [همگان را] به یادگیری و طلب دانش و معرفت و نیز کار و تلاش تشویق کرد، و زمانی که مسلمانان به بخشی از گفته‌ها و اموری که محمد و آل محمد علیهما السلام بدان تشویق کردند عمل نمودند، برای انسانیت اختراعات بسیار بزرگی را به وجود آوردند که امروزه در کارخانه‌ها و ابزارهای الکترونیکی ما و بیمارستان‌هایمان و دیگر عرصه‌های زندگی وجود دارد.

پیام فیس بوک سید احمد الحسن، ۲۵ نوامبر ۲۰۱۸ م



بیانات شیخ حبیب سعیدی به مناسبت مبعث رسول اکرم ﷺ

معترضان به خلفای خدا

آغاز دوباره اسلام در آخرالزمان

قسمت سوم

قسمت اول

منظور از نهال و شاخه، در اشعیا فصل یازدهم چه کسانی هستند؟

قسمت پایانی

یک دلیل قوی برای رد داستان طوفان نوح در تورات

به مناسبت روز مهندس

نور پیامبر اسلام، تاریکی قرون وسطا را روشنی بخشید

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن علیه السلام، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پیامبر اکرم

فهرست

- بیانات شیخ حبیب سعیدی به مناسبت مبعث رسول اکرم ﷺ..... ۳
- نور پیامبر اسلام، تاریکی قرون وسطا را روشنی بخشید..... ۶
- معترضان به خلفای خدا، اولین اعتراض کننده..... ۱۰
- نهاد و شاخه، در اشعیا فصل یازدهم (قسمت پایانی)..... ۱۲
- آغاز دوباره اسلام در آخر الزمان، قسمت اول..... ۱۵
- یک دلیل قوی برای رد داستان طوفان در تورات..... ۲۰
- به مناسبت روز مهندس..... ۲۲



هفته نامه زمان ظهور

شماره ۱۲۱، جمعه ۶ اسفند ۱۴۰۰،
۲۳ رجب ۱۴۴۳، ۲۵ فوریه ۲۰۲۲
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه های ارتباطی:
WWW.VARESin.ORG
WWW.ALMAHDYOON.CO



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

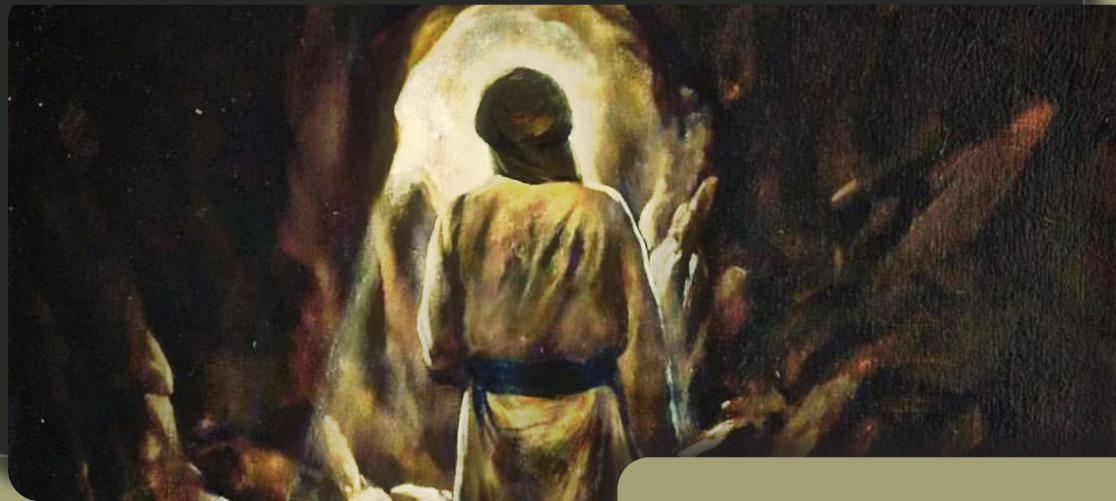
زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

بیانات شیخ حبیب سعیدی

صلی الله علیه و آله

به مناسبت مبعث رسول اکرم



مبعث رسول اکرم ﷺ بر همه شما مبارک
ظهور رسول خدا محمد ﷺ بر همه شما مبارک

بنده برخی از کلماتی را که یمانی آل محمد (علیهم السلام) درباره رسول الله ﷺ بیان کرده است به اندازه ممکن انتخاب کردم و آن را نقل می کنم.

ایشان می فرماید: خلیفه آغازین حقیقی و در عوالم بالا محمد ﷺ است. تا اینجا که فرمودند: اما در این عالم جسمانی ایشان همان فردی است که نسبت به خداوند سبحان در هر زمانی داناتر است و او را بیشتر شناخته است! یعنی نه فقط در زمان خودشان، بلکه در زمان گذشته داناترینشان بود و به آنان آموزش می داد و نسبت به امامان پس از خود این گونه بود که همگی نسبت به رسول الله ﷺ دائماً نیازمند بودند؛ به این خاطر که اولین چیزی که صادر شده است و هر چیزی که صادر شده است و هر چیزی که از ذات به عنوان فیض می آید باید از راه رسول الله ﷺ بیاید.

منظور، ظهور ایشان در این عالم جسمانی است وگرنه همان طور که می دانید رسول الله ﷺ اولین آفریده خداوند است. مقام رسول الله ﷺ بالاست و قطعاً همه عالم هایی که پایین تر از رسول الله ﷺ هستند، قاصرند به شکل کامل به مقام رسول الله ﷺ برسند و نزدیک ترین شناخت در این عالم نسبت به رسول الله در قالب الفاظ، آن چیزی است که از محمد و آل محمد (علیهم السلام) صادر شده است؛ مخصوصاً آنچه در آخر الزمان بر زبان قائم (علیه السلام) صادر و بیان می شود. کسی که بخشی از حقیقت محمد ﷺ را بیان می کند. ایشان می فرماید: خلیفه آغازین حقیقی و در عوالم بالا محمد ﷺ است ...

سید احمد الحسن (علیه السلام):

دعوت محمد ﷺ دعوتی عام و فراگیر بود. گویی تمام آنچه در دعوت های پیامبران پیشین بود و حتی بیشتر از آن را در بر می گرفت.

(کتاب «روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان»، ج ۱، روشنگری از دعوت محمد ﷺ)

است؟»

ایشان در مکان دیگری می فرماید: «همه موجودات به واسطه نور خداوند بین آفریدگانش نورانی هستند و ایشان همان محمد ﷺ است.» بر اساس تعبیر و فهم بنده همه موجودات به واسطه نور محمد ﷺ نورانی هستند؛ به این خاطر که ایشان اصل نور خداوند سبحان و متعال است.

«ایشان درب افاضه خداوند است و این نور الهی علی و فاطمه هستند». همچنین ایشان در مکان دیگر می فرماید: «سبع المثانی: اگر این سوره را حمد بنامی رسول الله ﷺ در این حالت همان ثناگو و ستایش کننده و حمد کننده است.»

رسول الله همان حمد کننده و محمد یا احمد ﷺ می شود.

(انا فتحنا لك فتحا مبينا) این همان مقام محمود است که رسول کریم، محمد ﷺ به آن رسیده است: «و در این مقام، لحظاتی خداوند برای محمد ﷺ تجلی کرده است، و بین ایشان حجاب و پرده ای بود که می درخشید و رفت و آمد داشت یعنی بین محمد ﷺ و بین ذات الهی.

همان طور که نزد شما مشخص است و یمانی آل محمد و قرآن کریم آن را بیان کرده است، یعنی حجاب در لحظاتی از بین می رود و باز می گردد؛ چون به واسطه ذات از بین رفته است؛ بلکه فقط خداوند واحد قهار باقی می ماند. در این مرتبه هیچ فرصتی برای هیچ آفریده ای به جز محمد ﷺ باقی نمی ماند...

در این خصوص احادیثی وجود دارد؛ از ایشان ﷺ به این مضمون روایت شده است که فرمود: «هیچ وقت، با هیچ آفریده ای با کُنه عظم سخن نگفتم.»

می دانید که یمانی آل محمد تفاوت بین علی و فاطمه و رسول خدا ﷺ را بیان کرده است و ما در صدد این نیستیم.

«محمد ﷺ صاحب فتح مبین است» این الفاظی است. صاحب فتح مبین؛ فردی که گوشه ای از این مسئله را شناخته است، وقتی این کلمات را به زبان جاری می کند در حیرت و درد می ماند؛ اما فردی که از آن بدون درک عبور می کند به خاطر کمبود شناخت است. «او فردی است که به اندازه سر سوزن، برایش فتح، حاصل و گوشه ای از حجاب و پرده لاهوت برایش برداشته شده است». همو که فقط ایشان ﷺ است که به این مرحله رسیده است. ایشان، از آیات و نشانه های بزرگ پروردگارش دید. ایشان شهر علم است. ایشان صورت شهر کمالات الهی یا ذات الهی است و در این آفریده ﷺ آشکار شده است. همان طور که قرآن کریم می فرماید و سید و مولایمان احمد الحسن ﷺ می فرماید: انسان را در برترین شکل آفریدیم؛ سپس او را به پایین ترین مرحله رساندیم مشخص است که بالاترین موجودی که در عوالم نور آفریده شده است انسان است و ایشان همان محمد ﷺ یا عقل اول است.

پنهان نیست که شناخت ابراهیم ﷺ نسبت به محمد ﷺ بر اساس جایگاه خود ابراهیم ﷺ است، نه اینکه ابراهیم ایشان را کامل شناخته باشد؛ به این خاطر که او با ستاره و ماه و خورشید اشتباه گرفت. ایشان می فرماید که در ذهن هیچ فردی خطور نمی کند که ابراهیم ایشان را کامل شناخته باشد. آیا پس از سخن رسول الله ﷺ فردی شک می کند و در اشتباه می افتد؟ و رسول الله ﷺ این سخن را می فرماید:

«ای علی! فقط من و خداوند تو را شناختیم و فقط خداوند و تو مرا شناختید و فقط من و تو خداوند را شناختیم.» حال آیا فردی شک می کند؟

آیا فردی بالاتر از ابراهیم در این میدان است؟ ایشان می فرماید: «آیا پس از سخن رسول الله ﷺ فرصتی برای شک و توهّم می ماند که بگوییم ابراهیم ﷺ ایشان را با تمام حقیقتشان شناخته

سید احمد الحسن ﷺ:

اگر محمد ﷺ دعوت اسلامی را بر عهده نمی گرفت، هیچ پیامبری به غیر از او نمی توانست آن را بر عهده بگیرد. پدر و مادرم به فدایش؛ چیزی را بر عهده گرفت که هیچ فردی غیر از او تاب تحملش را نداشت.

(کتاب «روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان»، ج ۱، روشنگری از دعوت محمد ﷺ)



سید احمد الحسن (علیه السلام) می فرمایند:

«کشف کامل در لحظاتی برای حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) حاصل شد و آن حضرت با نوسان حجاب به جنبش در می آید و همه هستی و کائنات نیز به حرکت در می آیند. اگر شما قرآن بخوانی با نوسان او به حرکت رفت و برگشت در می آیی، بدون اینکه قصد و نیتی بر این کار داشته باشی؛ گویی در انجام آن مجبور و بی اختیار هستی.» **متشابهات، ج ۲، پرسش ۲۸**

ایشان در مکان دیگر می فرماید: **«اسم الله همان شهر کمالاتی است که از حقیقت و هویت خدای سبحان اشراق و تجلی یافته است که کسی جز او سبحان و متعال آن را نمی داند. الرحمن الرحیم که در معنا با یکدیگر اتحاد دارند نماد باب این شهر هستند. سایه این شهر در عالم ممکنات همان کسی است که در ذات او اشراق و در آن تجلی یافته است و او حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) است.»** **متشابهات، ج ۲، پرسش ۴۵**

ای محمد چقدر تو بزرگ هستی... درود خداوند بر ایشان و خاندانش.

خداوند متعال فرمود: **﴿و انک لعلی خلق العظیم﴾** (تو بر اخلاق بزرگی هستی). **(قلم، ۴)**

به این خاطر است که ایشان به اخلاق خداوند متخلق شده است؛ وگرنه هیچ اخلاقی چنین استحقاقی ندارد که به بزرگ بودن توصیف شود، مگر وقتی تجلی و ظهور اخلاق خداوند سبحان و متعال باشد.

به همین خاطر است که محمد شهر علم است. ایشان شهر کمالات الهی است که در آفریدگان تجلی کرده است... درود خداوند بر



ایشان و خاندانش. و کتاب خداوند که در بردارنده علم است همان محمد (صلی الله علیه و آله) و میم است؛ این همان علی (علیه السلام) یا لام است؛ این همان فاطمه (علیه السلام) یا الف است. منظور همه کتاب است. آیه قرآن که در آغاز سوره بقره است. محمد (صلی الله علیه و آله) همان کتاب کامل تر و کلمه تامه است و سزاوارتر است که نام کتاب خدا بر او (محمد (صلی الله علیه و آله)) اطلاق شود.

همه موجودات در صفحه [وجود] ایشان موجود است؛ در صفحه وجود مبارک ایشان هستند؛ در آن نگاشته شدند، مثل کلماتی که در دفتر نگاشته شده است. زمانی محمد (صلی الله علیه و آله) انسان نامیده می شود و زمانی محمد (صلی الله علیه و آله) خلیفه نامیده می شود و زمانی که محمد (صلی الله علیه و آله) کلمه تامه نامیده می شود، کاملاً نامی برای مسمما است؛ اما برای افراد دیگر هر کدام به اندازه خودش است. به تعبیر مجازی نیز منظور ایشان (صلی الله علیه و آله) است. به آن خاطر که نور ایشان (صلی الله علیه و آله) پس از حجاب های بسیاری آشکار شده است؛ به عنوان مثال درباره قائم کلمه تامه تعبیر می کنیم منظور از این کلمه نیز محمد (صلی الله علیه و آله) است؛ البته با حجاب ها و پرده های بسیار.

یعنی امکان دارد همه نورهایی که شبیه نور محمد (صلی الله علیه و آله) هستند نور محمد (صلی الله علیه و آله) شمرده شوند و می توان به او نور ذاتی گفت که برای خلق تجلی کرده است و می توان به آن، تجلی خداوند سبحان و متعال گفت؛ و اصل همه این ها برای خداوند سبحان و متعال است و صورتی که از ذات الهی تجلی کرده است از کنه و حقیقت خداوند سبحان و متعال تجلی کرده است؛ در نتیجه همه این ها صورت و نشانه هایی است که در میان ما به سوی خداوند سبحان و متعال راهنمایی می کند و همه این ها بخشش و نعمت واقعاً بزرگی برای ماست...

(شیخ حبیب سعیدی، خطبه نماز جمعه، سال ۲۰۲۰) برگرفته از کانال یوتیوب



سید احمد الحسن (علیه السلام):

مهم ترین مسئله ای که به واسطه آن دعوت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) متمایز می شود، پایان بخش بودن به رسالت های الهی است، و اینکه زمان به اجرا رسیدن بشارت و انذار و وعده و وعیدی که فرستادگان آورده بودند، فرا رسیده است و اجرا کننده آن ها، از فرزندان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و ایشان، همان امام مهدی (علیه السلام) است.

(کتاب «روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان»، ج ۱، روشنگری از دعوت محمد (صلی الله علیه و آله))



نور پیامبر اسلام، تاریکی قرون وسطا را روشنی بخشید.

همان طور که می دانید در گذشته ای نه چندان دور یعنی قرون وسطا، اروپا در تاریکی و خفقانی به سر می برد که حاصل سایه بی برکت علمای بی عمل مسیحیت بود؛ اما در همان دوران رکود علمی اروپا، در آن سوی جهان شاهد ظهور تمدن اسلامی بودیم که توانست همان قرون

قطعاً رسول خدا ﷺ تأثیر مثبت و عمیقی در تمدن بشری داشته است؛ به علم آموزی و عمل کردن تشویق کرد و به فضل وجود ایشان اختراعاتی به دست آمده است که امروزه در کارخانه ها و دستگاه های الکترونیکی و بیمارستان های ما و... وجود دارد.

بسیاری از مردمان امروز فکر می کنند اسلام و تفکر اسلامی مانع پیشرفت جوامع است؛ از این رو پیامبر اسلام یعنی حضرت محمد ﷺ را مذمت می کنند! این برداشت اشتباه ناشی از این مسئله است که عموم مردم با تاریخ کامل بشریت آشنایی ندارند؛ تاریخ مکتوبی که از تمدن باشکوه

سومری شروع شد و به قرون طلایی اسلام رسید و در انتظار ثبت آینده ای درخشان تر در حکومت عدل و داد مهدوی است.

پس شایسته است بار دیگر تاریخ را ورق بزنیم و بدون تعصب در آن تأمل کنیم تا حق را بیابیم. پرسشی که در پی یافتن پاسخ آن هستیم این است:

آیا تمدن اسلامی نقشی در شکل گیری جهان مدرن امروزی داشته است یا خیر؟

تاریک را تبدیل به قرون طلایی کند! آری این یک حقیقت تاریخی است که هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند.

اما پرسشی که مطرح می شود آن است که **چه کسی بنیان گذار این تمدن عظیم و قرون شگفت انگیز طلایی بود؟**

آن شخص کسی نبود جز پیامبر اسلام؛ مردی که لایک نبود و با اینکه موحد بود مشوق مردم به علم آموزی بود.



سید احمد الحسن علیهما السلام

آری، خداوند مؤمنان را تشویق می کند که پیشرفت مادی جسمانی را محقق سازند تا بی نیازی آن ها از کافران برآورده شود و نیز عزت و نیرومندی برای بی اثر کردن جنگجویان (کافر) را به دست آورند. (کتاب «جهاد درب بهشت است»)

خب! شاید بگویید این موضوع چه ربطی به تمدن اسلامی دارد؟!

آری، اگر تاریخ را دقیق و کامل نخوانده باشیم خواهیم گفت در اینجا باید لئوناردو داوینچی و برادران رایت را تشویق کرد نه مسلمانان را.

اما اگر به قرن نهم بازگردید باز با دانشمند مسلمان پیشگام دیگری به نام **عباس بن فرناس** آشنا خواهید شد. فردی که به طور جدی برای ساختن ماشین پرنده و پرواز کردن تلاش می کرد. در واقع او هزار سال قبل از برادران رایت در فکر پرواز کردن بود! در قرن نهم توانست وسیله ای بال دار را طراحی کند و در مشهورترین آزمایش خود حتی توانست برای اولین بار چند لحظه به سمت بالا پرواز کند؛ اما بعد از لحظاتی سقوط کرد. وی در تحلیلی علمی، سقوط خود را به عدم تعبیه دقیق «دُم» برای ابزار پروازش باز می گرداند که نشان دهنده توجه وی به محاسبات پرواز است. طرح های او بی شک صدها سال بعد الهام بخش هنرمند و مخترع ایتالیایی لئوناردو داوینچی شد.

و این باور نکردنی است که ما در تعطیلات و سفرهای خود سوار بر هواپیما بشویم، اما یادی از قرون طلایی و عباس بن فرناس نکنیم! معمولاً در سفرهایی که انجام می دهیم با **دوربین های عکاسی** از خود در طبیعت و مکان های باستانی و... عکس می گیریم. دوربین های عکاسی امروزه در زندگی ما نقش بسزایی دارند. برای ثبت وقایع خاص از زندگی، حفظ امنیت، ثبت تخلفات راهنمایی و رانندگی، گزارش اخبار، مدیریت از راه دور، پژوهش های علمی، احراز هویت و... به این وسیله جادویی نیازمندیم. از این رو شما دوربین ها را همه جا می بینید.

و حال از شما می پرسیم که آیا مسلمانان نقشی در مسیر ساخته شدن دوربین های عکاسی نداشتند؟

محمد ﷺ تمدنی را بنا نهاد که تأثیری عمیق بر جهان مدرن امروزی داشت.

اما شاید بپرسید تمدنی که محمد ﷺ آن را بنا نهاد چه تأثیری بر جهان امروز ما داشت؟
در پاسخ به این سؤال به صورت مختصر به چند اختراع مهم آن زمان اشاره می کنم. اختراعات و دستاوردهایی که با دنیای مدرن ما ارتباط مستقیم دارند.

بسیاری از مردم، یکی از نمادهای جهان مدرن را بیمارستان های پیشرفته و اتاق های جراحی

می دانند؛ زیرا در گذشته به دلیل محدودیت های ابزار پزشکی، بسیاری از بیمارانی که امروزه به راحتی با جراحی مداوا می شوند، فرجامی جز مرگ نداشتند.

بیا ببینیم نقش مسلمانان در پیدایش جراحی و ساخت ابزار آلات آن چه بوده است؟

اگر به گذشته سفر کنیم با **ابوالقاسم**

زهرای، پزشک و جراح مسلمان

اندلسی آشنا می شویم که می توانیم او

را **پدر عمل جراحی** بدانیم؛ زیرا او راه های

جدیدی را برای عمل جراحی ابداع کرد و

در کتاب «التصریف»، در مقاله سی ام آن به

دستاوردهایش در حوزه جراحی اشاره کرد که

بعدها ترجمه های متعددی از آن چاپ شد و

برای ۵۰۰ سال مرجع علوم پزشکی اروپا بود.

بسیاری از ابزارهای جراحی از اختراعات او

بوده است که همچنان در بیمارستان های

مدرن امروزی استفاده می شود. جالب

است بدانید این پزشک مسلمان از روده

گربه برای نخ بخیه استفاده می کرد

که جراحان امروزی نیز همچنان از

این ایده بهره می برند (نخ های قابل

جذب).

حرف از سفر به گذشته زدیم، به

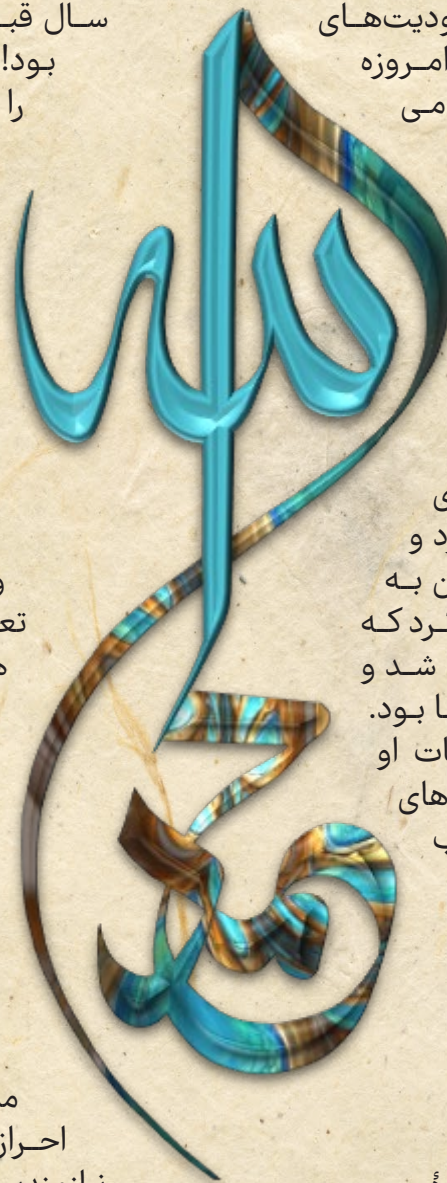
یاد **هواپیماهای غول آسای امروزی**

افتادم که امکان سفر از قاره ای به قاره

دیگر را در زمانی کوتاه برای ما فراهم کرده اند.

قطعاً هواپیما یکی از اختراعات بسیار مهمی است که

در زندگی مدرن امروزی نقش بسزایی دارد.



سید احمد الحسن (علیه السلام):

اما این پیشرفت مادی باید برگرفته و همراه با ایمان حقیقی و در روند پیشرفت تکاملی مستمر و پیوسته برای مؤمنان باشد تا برایشان، عاملی بازدارنده از یاد خدا و گردن نهادن به امر خداوند سبحان و متعال نباشد؛ که اگر این گونه باشد توفیق الهی عظیمی با آن همراه خواهد شد.

(کتاب «جهاد درب بهشت است»)



COVID-19

اما بگذارید در آخر به یکی دیگر از آن دستاوردها که در این دوران سخت همه گیری جهانی کووید ۱۹ نقش بسزایی در پیشگیری و جلوگیری از شیوع ویروس کرونا دارد اشاره کنیم و آن مایع نام آشنای الکل است. همان طور که همه شما می دانید الکل برای اولین بار توسط محمد بن زکریای رازی، دانشمند مسلمان ایرانی کشف شد.

پس اگر اکنون که این مقاله را مطالعه می کنید، کنارتان اسپری الکل است بدانید که این مایع ضد عفونی کننده، میراث به جای مانده از قرون طلایی فراموش شده است.



آیا باز هم جایی برای انکار نقش تمدن اسلامی (قرون طلایی) بر جهان مدرن امروزی وجود دارد؟! شاید بیراه نباشد که بگوییم تقریباً هر آنچه در جهان مدرن کنونی وجود دارد مدیون اسلام است. اسلامی که شعله های دانش را در زمانی که تاریکی بر اروپا سیطره داشت، فروزان نگاه داشت.

به شما حق می دهیم که کمی تعجب کرده باشید؛ زیرا فکر نمی کردید که این وسایل نام برده شده، ریشه و شروعی در قرون طلایی داشته باشند. وسایلی که تمام حیطه های زندگی ما را پوشش می دهند. اما چه خواهیم، چه نخواهیم این ها حقایقی هستند که ثبت شده اند و قابل انکار نیستند.

بنابراین اسلام حقیقی، خطرناک و مانع پیشرفت بشری نیست؛ بلکه آنچه دچار بحران شده است تحریفات، بدعت ها و تفاسیر ظنی علمای ادیان است که برای نمونه می توانیم به جریان ضد

اگر به کتب برجای مانده از قرون طلایی اسلام بازگردیم مشخص خواهد شد که بسیاری از مهم ترین پیشرفت ها در زمینه اپتیک، از مسلمان ها تأثیر گرفته است. تقریباً هزار سال پیش، **ابن هیثم** ثابت کرد که چشم انسان، اشیا را به واسطه نوری که از آن ها بازتاب شده و وارد چشم ما می شود، می بیند و بدین ترتیب نظریات اقلیدس و بطلمیوس را باطل کرد که معتقد بودند نور از خود چشم خارج می شود. این فیزیک دان بزرگ مسلمان همچنین پدیده اتاق تاریک (مربوط به عکاسی) را کشف کرد که توضیح می دهد چگونه چشم به موجب ارتباط بین عصب بینایی و مغز، تصاویر را به صورت قائم می بیند.

به گمانم پاسخ این پرسش هم مشخص شد؛ یعنی دستاوردهای علمی این دانشمند بزرگ مسلمان بود که اساس دوربین های امروزی را بنا گذاشت و منجر به اختراع دوربین عکاسی شد؛ زیرا وی راهی را پیدا کرد تا از طریق یک سوراخ در اتاق تاریک، تصویر یک شیء، روی دیوار مقابلش تشکیل شود و بعدها آن را دوربین روزنه ای نامیدند.

بنابراین داشتن دوربین های عکاسی و سینماها و ... را که بر همین اساس کار می کنند مدیون این دانشمند مسلمان هستیم.

اما شاید پرسید نقش مسلمانان قرون طلایی در شکل گیری انقلاب صنعتی چه بوده است؟! پاسخی که تاریخ به شما می دهد آن است که **بسیاری از پایه های اتوماتیک مدرن، اولین بار در دنیای اسلام استفاده شده است؛ از جمله سیستم انقلابی میله های متحرک (سامانه میل لنگ).** میل لنگ با تبدیل حرکت چرخشی به حرکت خطی، می تواند اجسام سنگین را تقریباً به سهولت بلند کند. این تکنولوژی که توسط الجزری در قرن دوازدهم کشف شد در سراسر جهان انتشار یافت و منجر به ایجاد وسایل گوناگون از جمله دوچرخه و موتور احتراق داخلی شد.

و حال از شما می پرسیم: چگونه انقلاب صنعتی بدون این اختراع می توانست به پیش برود؟ اگر خواهیم به یکایک دستاوردهای مهم مسلمانان در قرون طلایی و نقش آنان در شکل گیری دنیای مدرن امروزی پردازیم از حوصله بحث خارج است.

سید احمد الحسن علیه السلام:

پیشرفت مادی جسمانی نیز که انسان برایش تلاش می کند باید از منظر تکامل روحی باشد؛ یعنی سعی و تلاش در پیشرفت مادی، اطاعت از خداوند و برای پیاده ساختن اراده و خواست خداوند در جهت گسترش توحید، رحمت و عدالت بر این زمین باشد. (کتاب «جهاد درب بهشت است»)

اسلامی وهابیت سلفی اشاره کنیم که هیچ ارتباط و پیوندی با اسلام محمدی ندارد.

پس بیاید از دیدگاهی متفاوت و البته دقیق تر به اسلام و پیامبر آن بنگریم. اسلام حقیقی چیست؟ شخصیت پیامبر اسلام را از طریق کدام اقوال تاریخی بشناسیم؟ پیروان حقیقی حضرت محمد ﷺ در زمان ما چه کسانی هستند؟ این ها سؤالاتی است که هر انسان حق جویی باید به طور دقیق، قبل از اظهار نظر در خصوص اسلام، به آن ها پاسخ دهد.

منابع:

Muslim inventions that shaped the modern world - CNN.com



پیام سید احمد الحسن در صفحه تویتر خود



ویدئوی هزار و یک اختراع و کتابخانه اسرار



سید احمد الحسن (علیه السلام):

در خصوص پیشرفت مادی کافران، مؤمنان چنین میپندارند که این پیشرفت، توفیقی الهی یا خیری برای آن هاست؛ بلکه این پیشرفت، شری برایشان است؛ چرا که باعث پابرجا ماندن در سرکشی و تکبر در برابر اراده و خواست خداوند سبحان و متعال است.

(کتاب «جهاد درب بهشت است»)

معارضان به خلفای خدا، قسمت سوم

اولین اعتراض کنند

استخلاف [جانشین کردن] آدم (علیه السلام)

است و از عافیت بهره مند و در قبضه توست، با این گناهان، تو را معصیت و در زمین فساد می کند، و تو خشمگین نمی شوی و انتقامت را نمی گیری، در حالی که می بینی و می شنوی؟! این بر ما عظیم و گران است و به خاطر تو بزرگ تر نیز است. خداوند جل جلاله فرمود: من جانشین و خلیفه ای بر زمین قرار می دهم که حجت من بر خلقم در زمین باشد. ملائکه گفتند: آیا کسی را قرار می دهی که در آن فساد کند همان طور که اینان فساد کردند، و خون ها بریزد همان طور که اینان چنین کردند، و به یکدیگر حسادت ورزند و کینه جویی کنند؟! این جانشین را از بین ما انتخاب کن که ما حسادت نمی ورزیم و کینه جویی و خون ریزی نمی کنیم، در حالی که حمد تو را تسبیح می گوئیم و تو را تقدیس می کنیم. خداوند تبارک و تعالی فرمود: من چیزی می دانم که شما نمی دانید. من اراده کرده ام با قدرتم خلقی بیافرینم و از نسل او، انبیا و فرستادگان و بندگان صالح خداوند و ائمه هدایتگر را برگزینم و آن ها را جانشینانم در زمین قرار دهم که آن ها را به اطاعت من هدایت کنند و از معصیت و نافرمانی ام بازدارند و آنان را حجت خودم بر ایشان - بشارت دهنده و انذار دهنده - قرار دهم...»

خداوند سبحان خلقت خود را در زمینش با خلیفه اش آغاز کرد و این دلیلی برگرم و رحمتش به آنان است. او حکیمی است که از ناسازگاری در حکمت منزه است؛ از این رو خلیفه اش را که شناسانده اش است پیش از خلقتش ایجاد فرمود. پس آدم (علیه السلام) اولین خلیفه و جانشین خداوند متعال در زمین در دوران جدیدش شد، پس از اینکه مخلوقات دیگری غیر از گونه بشر زمین را پوشانده بود. این موجودات کارهایی را انجام می دادند که امام باقر (علیه السلام) به نقل از پدرانش به نقل از امیرالمؤمنین (علیه السلام) برخی از آن ها را برای ما بیان فرموده است: «وقتی خداوند اراده فرمود آدم را با قدرت خود خلق کند - و این پس از آن بود که از خلقت جن و نسناس بر روی زمین هفت هزار سال سپری شده بود - حجاب آسمان ها را برداشت و به ملائکه امر فرمود که به اهل زمین از جن و نسناس نظر افکنند. چون آنچه را که برخلاف حق - از گناهان و ریختن خون ها و فساد در زمین - انجام می دادند مشاهده کردند، بر آن ها بسیار گران آمد و به خاطر خداوند متعال خشمگین شدند و بر اهل زمین تأسف خوردند و گفتند: پروردگارا! تو عزیز قادر عظیم الشأن هستی و این خلق ذلیل حقیر توست که در نعمت تو غوطه ور

سید احمد الحسن (علیه السلام):

خداوند سبحان، مالک زمین و اهل آن است و در ملک خودش حاکمیت مطلق دارد و برای اینکه این حاکمیت در ملک او به دیگری منتقل شود، باید خود خداوند (مالک اصلی و حقیقی) فرد مشخصی را به عنوان خلیفه و جانشین تعیین کرده و به او رهنمود سازد.

(کتاب «عقاید اسلام و از تو درباره روح می پرسند»)



غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَعْلَمَ مَا تُبْدُونَ وَ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿۱﴾ (فرمود: ای آدم، نام‌هایشان را به آنان خبر بده؛ و چون آدم ایشان را از نام‌هایشان خبر داد خداوند فرمود: آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید می‌دانم؟). پس آدم (علیه السلام) آن‌ها را آگاه ساخت. در این هنگام پروردگار، هر آنچه را که از خلقش در آن محضر حاضر بودند به سجده برای خلیفه‌اش فرمان داده، می‌فرماید: ﴿وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ (و چون فرشتگان را فرمودیم: برای آدم سجده کنید؛ پس به سجده درافتادند جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید و او از کافران گردید).

آنچه خداوند سبحان اراده فرموده بود به انجام رسید و آدم (علیه السلام) خلیفه‌اش شد؛ پس از اینکه خداوند متعال با این سخن خود ﴿وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (و آن هنگام که پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی می‌گمارم) در حضور فرشتگان و ابلیس (لعله الله) بر او تصریح فرمود. ابلیس از فرشتگان نبود ولی با عبادت به آنان پیوسته بود تا جایی که فرشتگان گمان می‌کردند او یکی از آنان است. پس از اینکه خداوند سبحان خلیفه‌اش را به صراحت تعیین می‌فرماید این قضیه را صرفاً به عنوان مسئله‌ای تعبدی رها نمی‌فرماید؛ اگرچه خدای سبحان ﴿لَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يَسْأَلُونَ﴾ (از آنچه انجام می‌دهد بازخواست نشود و آنان سؤال خواهند شد) اما وقتی فرشتگان، پس از این تنصیب، بر خلیفه منتصب الهی اعتراض کردند، خداوند با لطف و رحمت خود، علت این تصریح را برای آن‌ها واضح می‌فرماید: ﴿قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (گفتند: آیا در زمین کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خون‌ها بریزد؟ و حال آنکه ما با ستایش تو، تنزیه می‌کنیم و به تقدیس تو می‌پردازیم؟ فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید)؛ و این علت، علمی است که به او اختصاص داده بود.

بنابراین حاضران هنگام تنصیب آدم، و امر الهی به سجده برای جانشین خدا تقسیم می‌شوند به:
الف. معترضی که توبه می‌کند: این عده فرشتگان هستند که اگرچه در ابتدا به اینکه آدم جانشین خداوند سبحان شود اعتراض کردند، اما پس از روشن شدن سبب جانشین شدن وی، بازگشتند و توبه کردند و برای خلیفه خدا در زمینش سجده نمودند.
ب. منکری که توبه نمی‌کند: و او ابلیس (لعله الله) است.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (و خدا همه اسم‌ها را به آدم آموخت؛ سپس آن‌ها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: اگر راست می‌گویید از اسامی اینان به من خبر دهید). وقتی فرشتگان به عجز و ناتوانی خود از انجام این کار اعتراف کردند ﴿قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ (گفتند: تو منزهی! ما را جز آنچه به ما آموخته‌ای هیچ دانشی نیست. به راستی که تو دانای حکیم هستی) از اسم‌هایی که درباره‌شان توضیح خواسته شده بود هیچ خبر ندادند. چگونه آن‌ها می‌توانستند چنین کاری انجام دهند در حالی که خداوند، علم آن را مخصوص خلیفه‌اش قرار داده بود.
خداوند سبحان فرمود: ﴿قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ

والسلام علیکم و رحمة الله
به امید آنکه معترضان زمان حال از این مطلب بهره‌ای ببرند و اسیر انانیت نشوند و به سوی حق قدم بردارند.
برگرفته از کتاب معترضان به خلفای الهی، نوشته دکتر علاء سالم (حفظه الله)

سید احمد الحسن (علیه السلام):

می‌بینیم که سنت خدا این بود که قبل از رسول الله محمد (صلی الله علیه و آله) نیز خلفایی را در زمین خود برگزیده بود و رسول الله محمد (صلی الله علیه و آله) را نیز برگزید و بدون شک، مردم را پس از رسول الله (صلی الله علیه و آله) نیز بدون برگزیدن خلیفه‌ای رها نکرده است؛ همچنان که در قرآن کریم آمده است.
(کتاب «عقاید اسلام و از تو درباره روح می‌پرسند»)

منظور از نهال و شاخه، در اشعیا فصل یازدهم چه کسانی هستند؟

(قسمت پایانی)



آمده است. به اینکه مریم علیها السلام است، صحیح نیست و شخصیت دوم. یا آن طور که در متن عبری، «شاخه» آمده است و در متن یونانی، «گل» آمده است. به اینکه او عیسی علیه السلام است، صحیح نیست. اگر خدا بخواهد در این قسمت سعی داریم نکاتی چند ارائه کنیم.

در قسمت های پیشین به لطف خدا و روشنگری آن غلام امین و دانا. احمد الحسن علیه السلام مشخص شد که تفسیر آن گروه از مسیحیان که معتقد بودند که شاخه و نهال به عیسی علیه السلام اشاره دارد، صحیح نیست؛ همچنین تفسیر پدرانی که معتقد بودند شخصیت اول در اشعیا ۱:۱۱. یا آن طور که در متن عبری «نهال» آمده است و در متن یونانی «شاخه»

سید احمد الحسن علیه السلام:

«هر مرغ ناپاک و مکروه» منظور هواپیماهای جنگی آمریکایی است [...] و بابل به عراق اشاره دارد؛ زیرا در آن زمان بابل پایتخت عراق بود؛ پس تمامی جنگ ها و فتنه ها در عراق و زمین آن صورت می گیرد؛ [اشاره به رؤیای یوحنا، اصحاب ۱۸]
(کتاب «نامه هدایت»)



می گوید:

«اگر [متی] قصد داشت متن خاصی را نقل کند، «پیامبران» را نمی نوشت، بلکه «پیامبر» را می نوشت. با استفاده از جمع [یعنی پیامبران به جای پیامبر] او آشکارا کلمات هیچ یک از قسمت های کتاب مقدس را نمی گیرد؛ بلکه معنای کل را می گیرد. ناصری به «مقدس» تفسیر می شود و اینکه خداوند مقدس خواهد بود، تمام کتاب مقدس گواهی می دهد. در غیر این صورت می توانیم توضیح دهیم که این مطلب در اشعیا به صورت ترجمه شده به حروف دقیق عبری یافت می شود. «عصایی* از تنه یسی بیرون خواهد آمد و ناصری از ریشه او خواهد رویید.»

پایان نقل قول.

البته باید دقت کنیم که در متن عبری اشعیا ۱:۱۱ ابدأ در قسمت دوم آیه عبارت نَتْسِرِ یا ناصری وجود ندارد؛ بلکه عبارت نَتْسِرِ یا شاخه وجود دارد: (و نهالی از تنه یسی بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت).

پاسخ ما چیست؟

۱. چگونه می تواند منظور از عبارت عبری نَتْسِرِ (شاخه) در اشعیا ۱:۱۱ لقب عیسی (علیه السلام) یعنی نَتْسِرِ (ناصری) باشد، وقتی اساساً اثبات شد که نَتْسِرِ یا شاخه نمی تواند عیسی (علیه السلام) باشد؟! آیا خدای حکیم به اشتباه پیشگویی را درباره عیسی (علیه السلام) بیان کرد؟! بی شک هر اصراری بر این ادعا نسبت دادن چهل به خداست!

۲. یوحنا ملقب به «زَربین دهان» (John Chrysostom) از بزرگترین پدران کلیسا و اسقف اعظم کنستانتینوپول که نزد کلیسای کاتولیک و ارتدوکس شرقی و ارتدوکس غیر خلیقدونی و کلیسای آشوری شرق و کلیسای باستانی شرق و پروتستان های انگلیکن و لوتری محترم و علاوه بر این از دگتران کلیسای کاتولیک است و کاتولیک های بیزانس و مسیحیان کلیسای ارتدوکس شرقی او را به عنوان یکی از سه سلسله مراتب مقدس (The Three Holy Hierarchs) مورد توجه ویژه قرار

«نهالی از تنه یسی»

همان گونه که در قسمت اول اشاره کردیم، در عقیده ما نهال امام محمد بن الحسن العسکری (علیه السلام) یعنی دوازدهمین امام در وصیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است و شاخه همان مهدی اول یعنی احمد (علیه السلام) است.

اینکه چرا امام محمد بن الحسن (علیه السلام) مصداق نهال است، به این دلیل است که مادر ایشان -یعنی نرجس خاتون (علیها السلام) از نسل یسی است؛ همچنین به این دلیل است که نجات دهنده جهان یا همان مهدی اول که مصداق «شاخه» است، از ریشه ها یا نسل ایشان است. او امروز که در آخرالزمانیم در بین ماست و او احمد فرزند اسماعیل فرزند صالح فرزند حسین فرزند سلمان فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. آری نهالی از تنه یسی بیرون آمد و شاخه ای مبارک از ریشه هایش شکفت.

«شاخه ای از ریشه هایش»

در ادامه به بررسی ادعایی از سوی مسیحیان می پردازیم؛ ادعایی درباره «شاخه»! اما در ابتدا، در انجیل متی ۲:۲۳ آمده است: (و آمده در بلده ای مُسما به ناصره ساکن شد، تا آنچه به زبان انبیا گفته شده بود تمام شود که «به ناصری خوانده خواهد شد».)

شاید عهد قدیم را خوانده باشید و در هیچ یک از کتب انبیا این عبارت را درباره مسیح نیافته باشید: «به ناصری خوانده خواهد شد.»

ممکن است پس از آن این سؤال برای شما شکل گرفته باشد پس این متن که متی آورده است، در کجاست؟!

برخی مسیحیان بر این باورند که آنچه را متی آورده است در اشعیا ۱:۱۱ باید جست؛ به عبارت دیگر معتقدند که اشاره به عبارت «ناصری» -که در عبری نَتْسِرِ است- را در اشعیا ۱:۱۱ باید یافت؛ جایی که در آن عبارت «شاخه» یا نَتْسِرِ آمده است.

برای مثال توماس آکویناس (Thomas Aquinas) در اثر زنجیر طلایی (Golden Chain) و در بخش انجیل متی، فصل ۲ تفسیر ژروم را آورده است که

این مسئله باقی می ماند که داشتن هفت شاخ و هفت چشم در رؤیا برای بره (سیزدهمین، احمد قائم) به این معناست که او حامل پدران معصومش -یعنی چهارده معصومی که ذکر شدند است. (دکتر علاء السالم، کتاب «احمد موعود، پیوند دهنده رسالات آسمانی و کشتی نجات برگزیدگان»)



اگر نهال مسیح باشد، پس شاخه کیست؟

همچنین در میتزودات دیوید (Metzudat David) درباره نهالی که خواهد رویید، آمده است:

«از کارهای شگفت‌انگیزی که هاشم [به معنی خدا] انجام می‌دهد شگفت‌زده نشوید؛ زیرا زمانی می‌آید که هاشم کارهای شگفت‌انگیز بزرگ‌تری انجام خواهد داد. درباره زمان مسیح صحبت می‌کند.»
پایان نقل قول.

سؤال پیشین دوباره برقرار است و از آنچه پیش‌تر تقدیم شد این نکته حاصل گشت که امکان ندارد نهال و شاخه به یک شخص اشاره داشته باشند و این تفسیر فاقد ارزش علمی است.

در پایان

امیدواریم که مسیحیان از تمامی فرقه‌ها متوجه این حقیقت شده باشند که بزرگان مذهبی آنان تأییدشدگانی از سوی خدا نبوده و نیستند؛ چرا که اگر بودند، خدا آنان را به سلاح علم مجهز می‌کرد. معتقدم هر مسیحی آزاداندیشی این کلام را می‌پذیرد و می‌داند احمدالحسن که با علمی الهی آمده شایسته است که تبعیت شود؛ پس او که عقیده کلیسا را در کتب خود به‌صورتی که جای شبهه نگذارد باطل می‌کند شایسته است که تبعیت شود.

* در ترجمه انگلیسی آیه‌ای که ژروم نقل کرده است، عبارت Rod یا عصا (یا شاخه) را در بخش اول آیه می‌توان دید؛ در بخش اول متن عبری اما صحبت از نهالی است که بیرون خواهد آمد، نه صحبت از عصا یا شاخه‌ای که بیرون می‌آید. البته بررسی ما بر روی بخش دوم آیه است؛ اما به‌رحال اگر Rod را عصا ترجمه کنیم، با دو عبارت شاخه در هر دو قسمت از آیه روبه‌رو نخواهیم بود.

می‌دهند، در موعظه ۹ بر انجیل متی، بخش ۶، درباره متی ۲۳:۲ و به‌طور خاص آنچه متی از انبیا نقل کرده است، می‌گوید:

«و چه رفتاری از پیامبر این را بیان کرد؟ نه کنجکاو باشید و نه بیش از حد مشغول باشید؛ زیرا بسیاری از نوشته‌های نبوی از بین رفته است. و این را می‌توان از شرح تواریخ [دو کتاب از عهد قدیم تواریخ نام دارند] مشاهده کرد. به دلیل سهل‌انگاری و افتادن پیوسته در بی‌خدایی، عده‌ای را به هلاکت رساندند و برخی دیگر را سوزاندند و تکه‌تکه کردند. واقعیت آخر را ارمیا بیان می‌کند؛ ارمیا ۲۳:۳۶ اولی، او که کتاب چهارم پادشاهان را تألیف کرد، گفت که پس از مدت‌ها کتاب تثبیه به‌سختی یافت شد، در جایی دفن شد و گم شد. اما اگر زمانی که هیچ وحشی در آنجا نبود، آن‌ها بسیار بیشتر از زمانی که وحشی‌ها بر آن‌ها غلبه کرده بودند به کتاب‌های خود خیانت می‌کردند. بر اساس این واقعیت، که پیامبر آن را پیشگویی کرده بود، خود رسولان در بسیاری از جاها او را ناصری می‌خوانند.» **پایان نقل قول.**

۳. اگر حتی آن متن در متی هدفش اشاره به اشعیا ۱:۱۱ بوده باشد، چیز عجیبی نیست؛ تناقضات و اشتباهات متعددی در اناجیل وجود دارد که انسان عاقل را به این حقیقت می‌رساند که نباید به تمامی متون کتاب مقدس اعتماد کرد؛ در نتیجه طرح این ادعا از سوی مسیحیان صرفاً تلاشی شکست‌خورده است و به آن‌ها کمکی نمی‌کند.

گذری بر تفسیر یهودیان

شاید کنجکاو باشید که بدانید تفسیر یهودیان درباره اشعیا ۱:۱۱ چیست؟ در ادامه قصد داریم چند تفسیر را ارائه کنیم.

در میدارش برشیت ربا ۹:۸۵ می‌خوانیم:

«[...] «و عصای تو»، یعنی مسیح، همان طور که گفته می‌شود (اشعیا ۱:۱۱): (و نهالی از تنه یسی بیرون خواهد آمد).» **پایان نقل قول.**

سید احمد الحسن رحمته الله علیه

آیا بشارت‌دادن باید صراحتاً با نام باشد یا با رمز و اشاره؟! من معتقدم مسئله خالی بودن عهد قدیم از نام عیسی یا یسوع به‌عنوان بشارت‌داده‌شده مسئله‌ای حل‌شده است و در این بین، چیزی جز رمز و اشاره باقی نمی‌ماند.

(گزیده‌ای از تفسیر سوره فاتحه)



آغاز دوباره اسلام در آخر الزمان | قسمت اول

نگاهی به آراء فرهنگی و اجتماعی دعوت یمانی

امین خراسانی

اگر سایر جنبش‌های منتسب به اسلام به اندازه داعش خشن و زشت دیده نمی‌شوند، به دلیل ملاحظات سیاسی و بین‌المللی پیچیده‌ای است که دست آن‌ها را در اجرای تمام‌عیار ایده‌هایشان بسته است. از همین روست که می‌بینیم حتی حکومت نرسیده طالبان نیز در پی بحران مشروعیت مردمی و بین‌المللی تا اندازه‌ای از استانداردهای اولیه خویش تنازل کرده است.

بحران ناسازگاری اسلام با اتمسفر اجتماعی بشر مدرن، بی‌شک ریشه در فقه اجتماعی «اجتهادی» و صدور فتوای‌های بریده از امام معصوم دارد. **باگذشت بیش از هزار سال از عصر حضور ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و گرفتار شدن امت اسلام در سرگردانی غیبت، اغلب علمای جهان اسلام اعم از شیعه و اهل سنت راه چاره را در روی آوردن به «اجتهاد» و برداشت ظنی از اخبار ظنی دانسته‌اند. امری که به معرفی اسلام‌هایی بیگانه با اسلام محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اوصیای پاک او منتهی شده است.** مطابق تصریح امام صادق (علیه‌السلام) و دلالت مضمونی بسیاری روایت دیگر از اهل بیت (علیهم‌السلام)، **ریشه و اصل**

مدتی پیش «دویچه وله» ویدئویی از یک دختر سعودی را منتشر کرد که در آن داستان ارتداد و پناهندگی خویش به کشور آلمان را تعریف می‌کرد. «رنا احمد» فقط یک نمونه از جوان‌هایی است که بدون اقناع درست دینی، تحت فشار جبر اجتماعی و مذهبی قرار می‌گیرند. آن‌ها بسیاری از آموزه‌های عقیدتی و عملی اسلام فقها را برخلاف فطرت و وجدان اخلاقی‌شان می‌یابند و گاه آنچنان دل‌زده و رنجور می‌شوند که عطای دین‌داری را به لقایش می‌بخشند و تنها راه رهایی خویش از مجازات «اعدام» را در مهاجرت می‌یابند!

اجبار به حجاب، نادیده گرفتن حقوق زنان، اعدام دگراندیشان، قطع عضو محکومان و ... اولین تصاویری هستند که با آمدن نام «اسلام» به ذهن بسیاری از مردم جهان متبادر می‌شود. آن‌ها عموماً داعش و دیگر جریان‌های سلفی را نماینده اسلام می‌دانند. حقیقت این است که امثال این جریان‌ها چهره عریان «اسلام بدون حضور معصوم» هستند و گرایش‌های مذهبی شیعی و سنی نیز چندان تفاوتی در اصل مسئله ایجاد نمی‌کند.

سید احمد الحسن (علیه‌السلام):

«اسلام همان تسلیم شدن، و تسلیم شدن همان اطاعت مطلق است.»
(کتاب «روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان»، ج ۳، ق ۱)



ایشان را نسل به نسل تا قیامت ادامه می دهند. [۵]
نکته اینجاست که اولین جانشین امام مهدی
 (علیه السلام) طبق نص وصیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، اولین
 ایمان آورنده به امام مهدی (علیه السلام) در عصر ظهور هم
 هست و «احمد» نام دارد. از آنجا که شخصیت
 یمانی که قیامش از علائم حتمی ظهور به شمار
 آمده است، [۶] از اوصاف معصومین برخوردار است
 [۷] نمی تواند کسی جز همان احمد مذکور در وصیت
 باشد. از دیگر سو، طبق ادله قرآنی و روایی قطعی
 ثابت شده است که **حجت های الهی همواره با نص**
و وصیتی از حجت های پیشین شناخته می شوند، و
این وصیت از معرض دست اندازی مدعیان دروغین
مصون و محفوظ است. [۸]
بنابراین، احمد الحسن که برای نخستین بار به این
وصیت نورانی احتجاج کرده است، همان یمانی موعود
و سیزدهمین وصی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است که از سوی
امام مهدی (علیه السلام) برای زمینه سازی همه جانبه ظهور
فرستاده شده است.

علم الهی، عرصه ای بی رقیب

احمد الحسن، با استناد به دلالت عقلی و آیات قرآن و
 روایات متواتر اثبات می کند که **قانون ثابت شناخت**
حجت های خدا شامل سه رکن «وصیت»، «علم
الهی» و «دعوت به حاکمیت الله» است و «رؤیای
صادقه» متواتر و موافق وصیت نیز یکی از راه های
اطمینان به حقانیت شخص مدعی به شمار
می رود. [۹]

بر اساس رکن دوم این قانون، احمد الحسن از همان
 آغاز علنی دعوت خویش بارها بزرگان ادیان را
 به مناظره بر اساس کتب آسمانی و حتی مباهله
 پس از آن فراخوانده، تا برخورداری ایشان از علم
 لدنی بر همگان روشن شود؛ اما متأسفانه پاسخی
 جز تکفیر و تهاجم مسلحانه به منزل و دفترش
 در نجف دریافت نکرده است. از آن ایام تاکنون،
 ایشان معارف ناب دینی را در قالب ۲۸ عنوان کتاب و
 چندین سخنرانی و کنفرانس منتشر ساخته است. این
 آثار شامل روشنگری از دعوت های انبیا، گره گشایی از
 متشابهات کتب آسمانی و تبیین اسلام حقیقی به دور
 از هرگونه پیرایه و خرافه است.

کتاب «توهم بی خدایی» ایشان یکی از پرفروش ترین
کتاب ها در نمایشگاه بین المللی کتاب فرانکفورت در

دین یک مرد است و او امام هر زمان است. هر کس
که او را شناخت، دین خدا را شناخته است؛ [۱]
 بنابراین، روی گردانی بشر امروز از اسلام، در حقیقت
 روی گردانی از یک عنوان بی محتوا، بلکه مقلوب و
 واژگون است؛ اسلامی که از مغز تهی گشته و جز
 پوسته ای نفرت انگیز از آن باقی نمانده است.

روزنه امید در آوار ظلمت شب

در میان هیاهوی این دنیای پر از غفلت و جهل، اما
ندایی نویدبخش به گوش می رسد که گویا به اسلامی
جدید فرامی خواند. احتمالاً شما هم تاکنون در
 راهپیمایی اربعین، یا از زبان زائران اربعین، یا در فضای
 مجازی و ... اسمی از سید «یمانی» و دعوت عقیدتی او
 شنیده اید. امروز «احمد الحسن» نامی است که عمدتاً
 نقل محافل مذهبی در کشور ما و بسیاری کشورهای
 دیگر جهان است. عده ای به او ایمان آورده اند، عده
 بیشتری به تبعیت از رجال دینی با او مخالف هستند،
 و عده بسیار بیشتری در تردید و دودلی به سر می برند؛
 اما این مرد چه می گوید و شاخص های آن اسلامی
 که داعیه اش را دارد کدام است؟

وصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و عقیده مهدیین

محور اندیشه نوین اسلامی احمد الحسن را می توان
عقیده «مهدیین» دانست. باوری که استمرار
خلافت الهی را تا قیامت توضیح می دهد. با وجود
 آنکه این عقیده ریشه در روایات متواتر اهل بیت (علیهم السلام)
 دارد، برای امت مسلمان جدید به نظر می آید. [۲]
 در روایات متعددی از فریقین (شیعه و اهل سنت)
 تصریح شده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در روزهای
 پایانی عمر شریفشان قصد داشتند وصیت نامه ای
 مکتوب کنند که امت را تا ابد از گمراهی مصون نگه
 دارد. اگرچه عمر و برخی دیگر از صحابه مانع نگارش
 این وصیت در روز پنجشنبه شدند، اما مطابق روایات
 متعدد دیگر، پیامبر (صلی الله علیه و آله) وصیت مذکور را مدتی بعد در
 یک جمع خصوصی تر مکتوب کردند. [۳]

مطابق تنها متنی که از وصیت شب وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) به
 جا مانده است، **جانشینان ایشان، دوازده امام (علیهم السلام) و**
دوازده مهدی (علیهم السلام) هستند. [۴] بر این اساس، سلسله
 اوصیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دوازده امام (علیهم السلام) ختم نمی شود؛
 بلکه دوازده تن از فرزندان امام مهدی (علیه السلام) (که خود
 هریک ملقب به «مهدی» هستند) حکومت عدل

سید احمد الحسن (علیه السلام):

اسلام، ثمره ادیان الهی در زمین، و محمد (صلی الله علیه و آله) همان عیسی، موسی و ابراهیم (علیهم السلام) است و
 قرآن همان تورات، انجیل و صُحف ابراهیم است.

(کتاب «گوساله»، ج ۱)



۲. ممنوعیت جداسازی انگشتان سارق؛

فقه‌های جهان اسلام از دیرباز طبق برداشت ظنی خود از متون دینی به قطع دست دزد، به معنای جداسازی بخشی از آن و ناقص کردن جسمش فتوا داده‌اند. آن‌ها برای چنین حکمی مثلاً به این آیه استناد می‌کنند:

﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (دست مرد و زن دزد را به کیفر کاری که کرده‌اند ببرید. این عقوبتی است از جانب خدا، که او پیروزمند و حکیم است). (مائده، ۳۸)

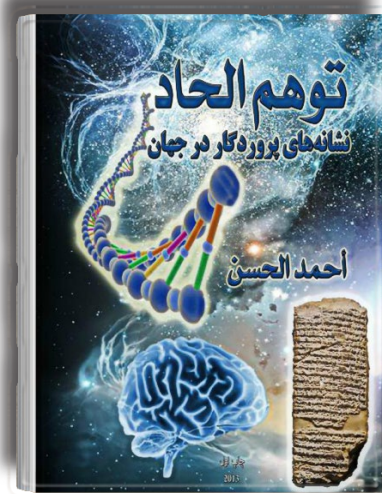
و می‌گویند: چون خداوند فرموده دستان مرد و زن سارق را قطع کنید، راهی جز قطع و جدا کردن قسمتی از دست سارقین وجود ندارد! (بر حسب اختلاف فتاوا: یا از مچ، یا از ریشه انگشتان یا از وسط آن‌ها) نهادهای حقوق بشری و حتی بسیاری اندیشمندان مسلمان معتقدند چنین حکمی غیرانسانی و خلاف اصل حقوقی «تناسب جرم و مجازات» است. اما آیا واژه «قطع» در ادبیات عرب لزوماً به معنای جداسازی است؟

دکتر علاء سالم (حفظه الله) ضمن انتقاد از این فتاوا، به بیان حقیقت این دستور قرآنی از معارف سید احمد الحسن (علیه السلام) پرداخته، می‌گوید: «آیا این گونه نیست که در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم، خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَأَنْتَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سَكِينًا وَقَالَتْ أَخْرِجْ عَلَيْنَهُنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ﴾ (... و به هریک کاردی داد و گفت: بیرون آی تا تو را بنگرند. چون او را دیدند، بزرگش شمردند و دست خویش را بریدند...)» (یوسف، ۳۱)

آیا در قضیه یوسف (علیه السلام) کسی شنیده است که قطع شدن دست این زنان، به معنای جدا شدن اعضا یا جدا شدن انگشتان از جسم باشد؟! یا اینکه تنها زخمی بود که در هنگام عبور یوسف بر آن‌ها عارض شد؟!!

پس فهمیدیم که تعبیر «قطع کردن» بر «زخمی کردن» نیز صدق می‌کند؛ مانند آنچه برای زنان مذکور به هنگام دیدن یوسف رخ داد؛ بنابراین، قطع دست در هر دو آیه به یک معناست: زخمی ساده و کوچک در انگشتان. این چیزی است که از سید احمد الحسن (علیه السلام) فرا گرفته‌ام. به همین خاطر، حد سرقت در نزد سید احمد الحسن زخمی در انگشتان است...». (برنامه زنده ازدواج دختران خردسال، صفحه فیس بوک المنقد)

سال ۲۰۱۸ بوده است. این کتاب که تحسین بسیاری از دانشمندان جهان را در پی داشته، نخستین مواجهه علمی و مستند دین با الحاد علمی غرب محسوب می‌شود. دکتر دارن اسمیت پزشک و شیمی‌دان آمریکایی ضمن توصیف کتاب مذکور می‌گوید: «بعد از خواندن [کتاب] توهم بی‌خدایی، دیگر پرسش این نیست که آیا دلیل علمی برای [وجود] خدا وجود دارد یا نه؛ بلکه این سؤال به وجود می‌آید که چرا پیش از این، کسی چنین کتابی ننوشته بود!» (مستند روشن‌تر از آفتاب، دقیقه ۱۲)



برده‌برداری از سیمای اسلام حقیقی

در اسلامی که احمد الحسن معرفی می‌کند کرامت انسانی محفوظ است، تحمیل عقیده و سرکوب مخالف جایی ندارد و زنان از جایگاه والای انسانی و اجتماعی برخوردارند. در ادامه برخی از آراء سیاسی اجتماعی سید احمد الحسن را به عنوان یمانی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) و سیزدهمین وصی پیامبر ﷺ مرور می‌کنیم:

۱. مردود بودن اعدام مرتد؛

سید احمد الحسن در پاسخ به شخصی که درباره حکم ملحد و مرتد سؤال کرده بود، نوشتند: «به کشتن مرتد یا ملحد یا بی‌دین فتوا نمی‌دهم و موضع من با نگارش کتاب توهم بی‌خدایی روشن است». (پیام فیس‌بوک، ۲۰ آوریل ۲۰۱۸م)

سید احمد الحسن (علیه السلام):

مسلمان، کسی است که تسلیم خداوند سبحان و متعال باشد و این تسلیم شدن (سجده‌گزار) باید قبله‌ای داشته باشد، و قبله‌اش نیز همان ولی خداوند (حجت او بر آفریده‌هایش) است. کسی که از قبله تسلیم شدن (یعنی حجت خدا که در جانشین و خلیفه خداوند در زمینش متمثل می‌شود) که خداوند واجب فرموده است روی گردان شود، مسلمان حقیقی محسوب نمی‌شود.

(کتاب «روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان»، ج ۳، ق ۱)

۳. اختیاری بودن حجاب؛

اجبار حکومتی به رعایت حجاب، نتیجه ای جز دلزدگی نسل جوان از دین الهی و شریعت اسلامی نداشته است. متأسفانه در سال های اخیر شاهد آن هستیم که حتی مخالفت با دستور الهی حجاب به نمادی برای اعتراض به سیاستمداران بدل شده است؛ اما به واقع، حجاب در دین الهی چه جایگاهی دارد؟ آیا اسلام حقیقی حجاب را صرفاً واجب عبادی می داند یا قانون حکومتی و لازم الاتباع؟ اگر قانون است، آیا شامل غیرمسلمانان ساکن بلاد اسلامی هم می شود؟

سید احمدالحسن در پاسخ به پرسش یکی از ایرانیان مؤمن به دعوت مبارک، به زیبایی، موضع اسلام حقیقی و اصیل را در قبال حجاب زنان معرفی می کنند:

سؤال: «...در ایران، زنان به اجبار باید موهای خود را زیر حجاب قرار دهند و اگر این کار را نکنند، حکومت آن ها را مجازات می کند و این مسئله حتی برای افراد ادیان دیگر هم وجود دارد ... آیا مسئله حجاب اجباری که توسط حکومت اجرا می شود، کار درستی است؟ آیا در دولت عدل الهی، حجاب اجباری وجود دارد و هرکس حجاب نگذارد، حتی اگر مسلمان نباشد، مجازات می شود؟»

پاسخ: «این ها دین را وارونه درک کرده اند و با این کارهای نادرستشان به دین جفا می کنند و به نام اسلام و تشیع و آل محمد (علیهم السلام) لطمه وارد می کنند؛ زیرا محمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هیچ کس را برای پوشیدن حجاب مجبور نکرد و خداوند سبحانه و تعالی هیچ کس را برای پوشیدن حجاب یا دین داری و عبادت مجبور نکرد؛ بلکه دین خود را بر پیامبرش نازل نمود و بهشت را به کسانی که ایمان می ورزند و به عبادت التزام دارند، وعده داد.

عبادت بدون نیت، ارزشی ندارد و حجاب، عبادت و اطاعت از دستور خدا و پیغمبر است؛ پس باید نیت قرب و نزدیکی به خداوند سبحانه و تعالی محقق شود؛ پس گجاست نیت کسی که به زور او را مجبور به حجاب می کنند؟! اما اجبار زنان غیرمسلمان بر حجاب، از این هم قبیح تر است. (پیام فیس بوک، ژوئیه ۲۰۱۸م)

سید احمدالحسن همچنین بی حجابی اجباری را نیز مردود می داند. ایشان به تاریخ چهارم نوامبر ۲۰۲۱

و در واکنش به حذف پوسترهای کمپین آزادی حجاب از توییتر شورای اروپا (تحت فشار دولت فرانسه) در صفحه فیس بوکشان نوشتند:

«... به باور بنده، هر انسانی که مدعی حمایت از آزادی انتخاب انسان است، وظیفه اخلاقی اش ایجاب می کند که حمایت کند از آزادی زن مسلمان برای داشتن حجاب در اروپا و مخصوصاً در فرانسه و در هر محیطی که در آن حضور می یابد؛ خواه در مدرسه باشد یا دانشگاه، یا محل کار یا در خیابان.»

شایان ذکر است که پوسترهای منتشرشده از محصولات کمپینی بوده است که دپارتمان ضد تبعیض شورای اروپا با همکاری یکی از انجمن های مربوط به جوانان اروپا (فمیسو) برگزار کرده است.

۴. عدم استحباب پوشش صورت برای زن؛

در اسلام حقیقی، استفاده از برقع، روبند یا نقاب برای زن نه واجب است و نه حتی مستحب. ایشان در پاسخ به شخصی که از حکم باز گذاشتن صورت برای زن سؤال کرده بود، فرمودند:

«باز گذاشتن صورت برای زن جایز است و حضرت زهرا -که صلوات خدا بر او باد- صورت خود را نمی پوشاند و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نیز همسران خود را به پوشاندن صورت هایشان فرمان نمی داد. بله، اینکه زن ها در شبه جزیره عربستان صورت هایشان را در سفر می پوشاندند، نه به دلیلی شرعی، بلکه فقط به علت گرمای خورشید بوده است؛ اما در کشور یا جامعه ای که پوشاندن صورت در آن مرسوم است، به جهت مراعات عرف غالب، پوشاندن صورت بهتر است ولی واجب نیست. آیا نمی بینید که زن در حج صورت خود را باز می گذارد؟ اگر واجب یا مستحب می بود هنگامی که او در حج و در حال عبادت و در میان انبوهی از مردان است، وجوب و استحبابش شدیدتر می شد. اسلام کاملاً با اعطای نقش [اجتماعی] زن به او موافق است و پوشاندن صورت مانع می شود از انجام کارهای بسیاری که زن می تواند انجام دهد و در آن ها نوآوری داشته باشد و از این طریق خدمت بزرگی به جامعه برساند.» (پاسخ های فقهی، ج ۳، پرسش ۱۰۶)

ادامه دارد...

سید احمدالحسن (علیه السلام):

دین اسلام یک نظریه سیاسی کامل، هم از نظر قانون گذاری و هم اجرای آن است و بر مسلمانان است که آن را رها نکنند؛ چرا که کامل ترین نظریه سیاسی است که بشریت شناخته است و هیچ نظریه سیاسی دیگری هم سطح آن پیدا نشده است.

(کتاب «سرگردانی، یا مسیر به سوی خدا»)



اثبات ولایت و حکومت برای فرزندان امام مهدی (علیه السلام) گردآوری کرده است.

پی نوشت ها:

[۶] امام صادق (علیه السلام): «النِّدَاءُ مِنَ الْمَخْتُومِ وَالسَّفْيَانِي مِنَ الْمَخْتُومِ وَالْيَمَانِي مِنَ الْمَخْتُومِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الرَّكِيَّةِ مِنَ الْمَخْتُومِ وَكَفُّ يَطْلُعُ مِنَ السَّمَاءِ مِنَ الْمَخْتُومِ ...» «ندا حتمی است، و سفیانی حتمی است، و یمانی حتمی است، و قتل نفس زکیه حتمی است، و کف دستی که در آسمان ظاهر می شود حتمی است ...» (غیبت نعمانی، ج ۱، ص ۲۵۲)

[۷] امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «... وَ لَيْسَ فِي الرِّايَاتِ رَايَةٌ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ هِيَ رَايَةُ هُدًى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَمَ بَيْعِ السَّلَاحِ عَلَى النَّاسِ وَ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ إِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَانْهَضْ إِلَيْهِ فَإِنَّ رَايَتَهُ رَايَةُ هُدًى وَ لَا يَجِلْ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِي عَلَيْهِ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ ...» «... و در میان پرچم ها پرچمی هدایتگرتر از پرچم یمانی نیست؛ آن پرچم هدایت است، چون او شما را به سوی صاحبان دعوت می کند. پس اگر یمانی قیام کرد، فروش اسلحه بر مردم و همه مسلمانان حرام می شود؛ و هنگامی که یمانی قیام کرد، به سوی او به پا خیز، چراکه پرچم او پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که از او سربیزی کند؛ پس هرکس چنین کند از اهل آتش است؛ زیرا او به سوی حق و صراط مستقیم دعوت می کند...» (غیبت نعمانی، ص ۲۶۲، ب ۱۴، ح ۱۳) برای مطالعه نکات دقیق علمی موجود در این روایت در جهت اثبات «عصمت» یمانی، به جلد چهارم کتاب «متشابهات»، نوشته سید احمدالحسن (پرسش ۱۴۴) مراجعه فرمایید.

[۸] سید احمدالحسن در کتاب «عقاید اسلام»، ص ۱۲۲ تا ۱۲۹ به تفصیل از استدلال های عقلی، قرآنی و روایی درباره محفوظ بودن وصیت از مدعیان دروغ گو سخن گفته است.

[۹] شرح بیشتر «قانون معرفت حجت» را می توانید در کتاب «عقاید اسلام»، ص ۹۳ تا ۱۷۴ بخوانید.

[۱] امام صادق (علیه السلام) در ضمن حدیثی طولانی فرمودند: «... إِنِّي أَخْبَرُكَ أَنَّ الدِّينَ وَ أَضْلَ الدِّينِ هُوَ رَجُلٌ وَ ذَلِكَ الرَّجُلُ هُوَ الْيَقِينُ وَ هُوَ الْإِيمَانُ وَ هُوَ إِمَامٌ أَمَّتِهِ وَ أَهْلُ زَمَانِهِ فَمَنْ عَرَفَهُ عَرَفَ اللَّهَ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ أَنْكَرَ اللَّهَ وَ دِينَهُ ...» «... همانا تو را خبر می دهم که اصل دین یک مرد است و آن مرد همان یقین است و او همان ایمان است و او همانا امام اهل زمانش است؛ پس هرکس آن امام را شناخت، خدا و دین خدا و قانون خداوند را شناخته است، و هرکس آن امام را نشناخت، همانا خداوند و دینش را نشناخته است...» (بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۵۲۶)

[۲] امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرِ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَ سَيَعُودُ غَرِيباً كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ.» «قائم ما چون قیام کند، مردم را به امر جدیدی دعوت خواهد کرد، همان گونه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دعوت فرمود؛ و اسلام غریبانه آغاز شد و غریبانه نیز باز خواهد گشت (در آخر الزمان)؛ پس خوشا به حال غریبان!» (غیبت نعمانی، ج ۱، ص ۳۲۰)

[۳] برای مطالعه روایت های مربوط به نوشته شدن وصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در کتاب های شیعه و اهل سنت، به پیوست نخست کتاب «وصیت مقدس، نوشتار بازدارنده از گمراهی»، تألیف سید احمدالحسن مراجعه فرمایید.

[۴] روایت شریف وصیت در کتاب «غیبت» تألیف شیخ الطائفه، محمد بن حسن طوسی (نسخه عربی، ص ۱۵۰/ ترجمه فارسی، ص ۳۰۰)، و نیز در دوازده مصدر حدیثی معتبر دیگر از جمله «بحار الانوار» آمده است.

[۵] دکتر شیخ ناظم العقیلی در کتاب «چهل حدیث» خویش، بیش از چهل حدیث معتبر با مضمون

سید احمدالحسن (علیه السلام):

آنچه از احادیث بسیار برداشت می شود، این است که امام علی (علیه السلام) حجت خدا بر مردم است و او (علیه السلام) حاکمیتی مطلق بر همگان دارد که از طرف خداوند متعال اعطا شده است. این ولایت، اصل مذهب است و مذهب بر این اصل بنا گذارده شده است.

(کتاب «سرگردانی، یا مسیر به سوی خدا»)

یک دلیل قوی برای رد داستان طوفان در تورات

یافت می شود یا نه؟
برای یافتن پاسخ، کافی است بدانیم چه مقدار آب در زمین وجود دارد و در کجا توزیع شده است؟
از آب موجود در زمین، $96/5$ درصد آن آب شور اقیانوس ها است و $3/5$ درصد باقی مانده شامل آب شیرین دریاچه ها، یخ های یخچال ها و کلاهک های یخی قطبی و ... می شود.

بنابراین عمده آب موجود روی زمین، همین آب اقیانوس ها است که می بینیم و همان طور که واضح است این آب ها حتی توانایی پوشش تمام سطح زمین را ندارند چه برسد به اینکه مرتفع ترین کوه ها را بپوشانند؛ زیرا حدود 71 درصد سطح زمین را آب پوشانده است و 29 درصد دیگر شامل سطوح خشک قاره ها و جزایر می شود.

اما ما نیاز به آبی داریم که تا 10 ذراع یعنی 8 متر بالاتر از کوه اورست که 8848 متر ($8/8$ کیلومتر) ارتفاع دارد را بپوشاند؛ آن هم نه در یک منطقه مشخص، بلکه کل سطح زمین را باید پوشش دهد!
قطعاً این مقدار آب در زمین وجود ندارد؛ حتی اگر همه $3/5$ درصد دیگر هم به صورت مایع در سطح زمین جاری شوند یعنی آب های زیرزمینی خارج شوند و تمامی یخ ها ذوب شوند و بخار آب اتمسفر

روایت داستان طوفان نوح در منابع مختلفی اعم از الواح گلین به جای مانده از اقوام بین النهرین، سفر پیدایش تورات، قرآن و مجامع حدیثی شیعه و سنی آمده است.

در این مقاله سعی داریم روایت تورات از طوفان را بررسی کنیم و تناقض آن با حقایق ثابت شده علمی و در نتیجه تحریف آن را اثبات کنیم.

اشکالات علمی زیادی بر داستان طوفان در تورات وارد است که برخی از آنان را سید احمد الحسن در فصل پنجم کتاب توهّم بی خدایی آورده اند و ما در **این مقاله به اشکال «کافی نبودن آب موجود در زمین برای وقوع طوفان تورات» کفایت می کنیم.**

طبق داستان عامیانه برگرفته از تورات متداول امروزی، آب طوفان همه کوه های بلند و در نتیجه زمین را پوشاند و حتی آب، یازده ذراع یعنی حدود 8 متر از کوه ها بالاتر نیز رفت.

(و آب بر زمین زیاد و زیاده تر غلبه یافت تا آنکه همه کوه های بلند که زیر تمامی آسمان بود، پوشیده شد. آب پانزده ذراع از کوه ها بالاتر رفت و آن ها را پوشانید). (پیدایش ۷: ۱۹ و ۲۰)

سؤال می شود این حجم آب از کجا آمده است؟ آیا در سیاره زمین و اتمسفر اطراف آن این مقدار آب

سید احمد الحسن (علیه السلام):

روشن شد این نظریه که لنگرگاه کشتی نوح بر روی برخی کوه های ترکیه یا ارمنستان بوده، با اصول ثابت شده علمی بسیاری ناسازگار است. خاستگاه این اعتقاد تفسیر برخی یهودیان از تورات است که در آن از کوهی به نام آرارات یا آراراط سخن به میان آمده است.

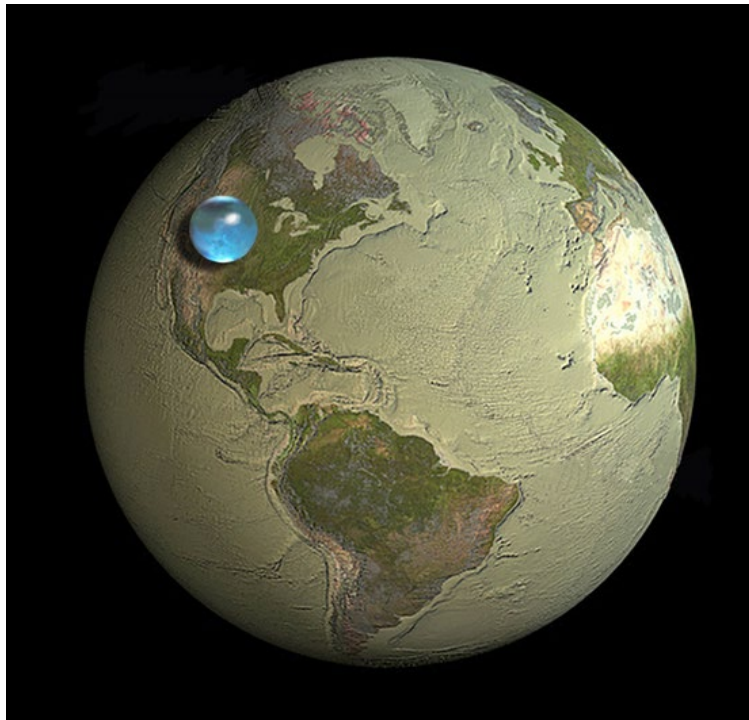
(کتاب «توهّم بی خدایی»)



از ۵ کیلومتر از سطح دریاست و قله آرات کوچک که ۳ کیلومتر و ۸۹۶ متر از سطح دریا بالاتر است را پوشش نخواهد داد؛ در حالی که طبق داستان تورات، کوه های آرات لنگرگاه کشتی نوح بودند.

نکته: در این محاسبات از حجم گودال ها و ارتفاعات چشم پوشی شده و سطح زمین کاملاً صاف در نظر گرفته شده است.

واقعیت آن است که داستان عامیانه برگرفته از تورات، با واقعیت های علمی به شدت ناسازگار است و وقوع چنین طوفانی غیرممکن است و در صورت وقوع چنین رویداد ناممکنی می بایست آثاری که از آن بر جای می ماند، با گذشت چند هزار سال از بین نرود؛ حال آنکه ما هیچ آثار و نشانه باستانی در حوزه زمین شناسی در این خصوص نمی یابیم. بنابراین این روایت متداول از طوفان نوح در برابر نقد و بررسی علمی تاب هیچ مقاومتی ندارد؛ چرا که بر روی زمین و درون آن، مقدار آبی که بتواند قله تمام کوه ها را بپوشاند، وجود ندارد.



هم باران شود. باز چنین حجم آبی به دست نمی آید. البته طی ۶ هزار سال گذشته یعنی حداکثر زمانی که طبق داستان عامیانه می توانیم برای وقوع طوفان نوح در نظر بگیریم، چنین اتفاقی در زمین رخ نداده است؛ بنابراین خیلی واضح است که چنین حجمی از آب نه امروز، بلکه حتی در گذشته هم در سیاره زمین موجود نبوده است؛ پس این میزان آب لازم برای تحقق داستان طوفان در تورات از کجا آمده بود و بعد از طوفان به کجا رفته است؟

برای درک بهتر این اشکال، اگر تمام آب های زمین را در یک کره جمع کنیم کره آبی بسیار کوچکی ایجاد خواهد شد که طبق تصویری که ناسا منتشر کرد بر روی ایالات متحده قرار دارد.

قطر این کره حدود ۱۳۸۵ کیلومتر است و حجمی حدود ۱۳۸۶ میلیون کیلومتر مکعب دارد. این کره شامل تمام آب موجود در اقیانوس ها، دریاچه ها، رود ها، یخچال های طبیعی، سفره های آب زیر زمینی، آب موجود در رطوبت خاک، بخار آب در اتمسفر و... می شود.

حتی اگر سطح سیاره زمین را کاملاً صاف در نظر بگیریم، در این

صورت این حجم آب تنها می تواند تا ارتفاع ۲/۷ کیلومتر از آن را بپوشاند.

برای به دست آوردن رقم بالا کافی است کل حجم آب زمین را بر مساحت آن تقسیم کنید:

مساحت زمین: ۵۱۰ میلیون کیلومتر مربع
حجم کل آب زمین: ۱۳۸۶ میلیون کیلومتر مکعب

$$1386000000 \div 51065623 = 2.7 \text{ km}$$

که در این صورت نیز ارتفاعاتی نظیر کوه اورست یا کوه دماوند را که ۵۶۱۰ متر ارتفاع دارد پوشش نخواهد داد؛ همچنین قله آرات بزرگ که دارای ارتفاعی بیش

پی نوشت:

۱- احمد الحسن، کتاب توهم بی خدایی، ترجمه فارسی، فصل پنجم.

۲- All the Water on Planet Earth | nasa.gov

۳- All the Water On Earth | gizmodo.com

سید احمد الحسن (علیه السلام):

امکان ندارد جهش هیدرولیکی برای آب هایی به بلندی چند کیلومتر رخ دهد و سپس این آب ها با چنین ارتفاعی، هزاران کیلومتر به صورت افقی حرکت کنند تا به کوه های آرات بین ترکیه و ارمنستان برسند. در حقیقت این فرضیه بیشتر به خیال پردازی شبیه است و از نظر علمی وقوع آن امکان پذیر نیست.

(کتاب «توهم بی خدایی»)

به مناسبت روز مهندس

من مهندس گشته‌ام راه دلت پیدا کنم
ورنه از جبر و حساب و باید و شاید چه سود

خط‌کش و پرگار و کاغذ نقشه‌ها برهم زدند
تا تو را یابم و گرنه نقش خوب و بد چه سود

ترک تکرار غلط‌ها را ببايد داد یاد
ورنه تکرار غلط‌ها و بد و باید چه سود

نیک و بد را باید از آن کس که می‌داند شنید
ورنه تقلید از کسی که خود نمی‌داند چه سود

جز خدا و حجتش راهی ندارد جان من
آخر از این جان اگر این ره نمی‌دارد چه سود

خوش به حال آن کسی که می‌رود این راه را
از قدم‌هایی که باطل گام بردارد چه سود

«کامیارا» لحظه‌ای در این تفکر مکث کن
عاقلی گز این تفکر بازمی‌ماند چه سود

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد

ای یهودیان! فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخرالزمان متولد

می شود، اکنون در میان ماست.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی

و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که

منتظر شماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با

سندی از علم و شگفتی ها آمده است.